

## أنت مني بمنزلة هارون من موسى [406]: نسبت تو به من، مانند هارون به موسی است. [407]

نماذج من الحديث:

نمونه‌هایی از این حدیث:

صحيح البخاري: «حدثنا محمد بن بشار حدثنا غندر حدثنا شعبة عن سعد قال سمعت إبراهيم بن سعد عن أبيه قال قال النبي صلى الله عليه وسلم لعلي: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى» [408].

صحيح بخاری: پیامبر صلی الله علیه و سلم به علی فرمود: (آیا راضی نمی‌شوی که نزد من به منزله‌ی هارون به موسی باشی؟). [409]

صحيح البخاري: «حدثنا مسدد حدثنا يحيى عن شعبة عن الحكم عن مصعب بن سعد عن أبيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج إلى تبوك واستخلف عليا فقال أتخلفني في الصبيان والنساء قال الا ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى الا انه ليس نبي بعدي» [410].

صحيح بخاری: مصعب بن سعد از پدرش گوید: (رسول الله صلی الله علیه و سلم به تبوک رفت و علی را به عنوان جانشین خودش قرار داد. عرض کرد: آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می‌دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که نزد من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست). [411]

صحيح مسلم: «حدثنا يوسف أبو سلمة الماجشون حدثنا محمد بن المنكدر عن سعيد بن المسيب عن عامر بن سعد بن أبي وقاص عن أبيه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلي: أنت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي .....» [412].

صحیح مسلم: رسول الله صلى الله عليه و سلم به على فرمود: (تو نزد من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی هستی. جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست). [413]

صحیح مسلم: « (وحدثنا) أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا غندر عن شعبة ح وحدثنا محمد بن المثنى وابن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن الحكم عن مصعب بن سعد بن أبي وقاص عن سعد بن أبي وقاص قال خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم علي بن أبي طالب في غزوة تبوك فقال: يا رسول الله تخلفني في النساء والصبيان فقال: أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدي » [414].

صحیح مسلم: سعد بن ابی وقاص گوید: (رسول الله صلى الله عليه و سلم على بن ابی طالب را در غزوه‌ی تبوک جانشین خودش قرار داد. ایشان عرض کرد: ای رسول خدا، آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می‌دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که نزد من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست). [415]

صحیح مسلم: « (حدثنا) عبيد الله بن معاذ حدثنا أبي حدثنا شعبة في هذا الإسناد (حدثنا) قتيبة بن سعيد ومحمد بن عباد (وتقاربا في اللفظ) قالوا حدثنا حاتم (وهو ابن إسماعيل) عن بكير بن مسمار عن عامر بن سعد بن أبي وقاص عن أبيه قال امر معاوية بن أبي سفيان سعدا فقال ما منعك أن تسب أبا التراب فقال: أما ما ذكرت ثلاثا قالهن له رسول الله صلى الله عليه وسلم فلن أسبه لأن تكون لي واحدة منهن أحب إلي من حمر النعم سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول له خلفه في بعض مغازيه فقال له على يا رسول الله خلفتني مع النساء والصبيان فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا انه لا نبوة بعدي وسمعتة يقول يوم خيبر لأعطين الراية رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله قال فتناولنا لها فقال ادعوا لي عليا فأتى به أرمد فبصق في عينه ودفع الراية إليه ففتح الله عليه ولما نزلت هذه الآية فقل تعالوا ندع أبناءنا

وَأبناءكم دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم عليا وفاطمة وحسنا وحسينا فقال اللهم هؤلاء أهلي» ([416]).

صحیح مسلم: سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش گوید: (معاویه بن ابی سفیان به سعد گفت: چه چیز مانع می شود که به ابوتراب توهین کنی؟ گفت: آیا سه موضوع را که رسول الله صلی الله علیه و سلم به علی فرمود، یادت نیست؟ تا زمانی که یکی از آنها را داشته باشم، به او ناسزا نمی گویم و این از شتران سرخ مو برایم بهتر است. از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که ایشان را در برخی از غزوه های جانشین خود قرار داد و علی به ایشان عرض کرد: ای رسول الله! آیا مرا در میان کودکان و زنان جانشین خودت قرار می دهی؟ فرمود: آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟ جز آن که هیچ پیامبری پس از من نیست. و شنیدم که روز خیبر فرمود: پرچم را به دست مردی می دهم که خداوند و رسولش را دوست دارد و خداوند و رسولش، او را دوست دارند. ما پرچم را برای ایشان آوردیم. فرمود: علی را نزد من بیاورید. آمد او را آورد. ایشان آب دهانش را بر چشمان علی مالید و پرچم را به او داد. خداوند برایش گشایش ایجاد کرد. و زمانی که این آیه فرستاده شد: «بگو بیاید بخوانیم پسران مان و پسران تان را». رسول الله صلی الله علیه و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و فرمود: خدایا این ها خانواده ی من هستند). ([417])

صحیح مسلم: «حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا غندر عن شعبة ح وحدثنا محمد بن المثنى وابن بشار قالوا حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شعبة عن سعد ابن إبراهيم سمعت إبراهيم بن سعد عن سعد عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال لعلي: أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى» ([418]).

صحیح مسلم: پیامبر صلی الله علیه و سلم به علی فرمود: (آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟). ([419])

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو سعيد مولى بني هاشم ثنا سليمان بن بلال ثنا الجعيد بن عبد الرحمن عن عائشة بنت سعد عن أبيها إن علياً رضي الله عنه خرج مع النبي صلى الله عليه وسلم حتى جاء ثنية الوداع وعلى رضي الله عنه يبكي يقول تخلفني مع الخوالم فقال أو ما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا النبوة» ([420]).

مسند احمد: (عایشه بنت سعد از پدرش نقل کرد که: علی(رض) با پیامبر صلی الله علیه و سلم بیرون رفتند تا این که به ثنیه الوداع رسیدند و علی(رض) گریه می کرد و عرض می کرد: آیا مرا در تخلف کنندگان جانشین می نمایی؟ فرمود: آیا راضی نمی شوی که نزد من به منزله ی هارون نسبت به موسی باشی؟ مگر در مورد پیامبری). ([421]).

هارون أخ ووصي موسى، وأكد أنّ المراد بالمنزلة ليس كونه أخوه، فلا معنى أن يخبر الرسول بأنّ علياً قريبه فهو أمر ظاهر للجميع ومفروغ منه ولا يحتاج إخباراً أو إعلاناً وبياناً له على أنه مكافئة إلهية؛ لأنّ القرابة بحد ذاتها ليس فيها تزكية ولا تعتبر مكافئة إلهية، فأبو لهب عمّ النبي، فيبقى أنّ المراد بالمنزلة هو الوصاية وخلافة الله في أرضه، فكما أنّ هارون وصي موسى كذا علي وصي محمد، ولهذا كان المناسب بالتعقيب في بعض الأحاديث باستثناء النبوة الرسالية من الله عن علي، وهذا أمر ناقشته في كتاب "النبوة الخاتمة"، وبيّنت لماذا ختمت النبوة الرسالية من الله وافتتحت النبوة الرسالية من محمد (صلى الله عليه وآله)، وكونه صورة اللاهوت الأكمل في الخلق.

هارون برادر و وصی موسی بود. قطعاً منظور از منزلت و جایگاه این نیست که برادرش است. معنا ندارد که رسول خبر بدهد که علی به او نزدیک است. این موضوع برای همه آشکار و حل شده است و نیاز به خبر دادن یا اعلام کردن و بیان ایشان ندارد؛ چرا که موضوع این حدیث پاداشی الهی است؛ چرا که نزدیکی به خودی خود سبب پاک نمودن کسی نمی شود و پاداش الهی شمرده نمی شود.

به عنوان مثال ابولهب عموی پیامبر است. معنای باقیمانده این است که منظور از منزلت، همان وصایت و خلافت خداوند بر زمین است. همان طور که هارون وصی موسی بود، علی نیز وصی محمد است. به همین خاطر در ادامه‌ی برخی از احادیث نقل شده، نبوت ارسالی از سوی خداوند از علی استثنا شده است. این موضوع را در کتاب «نبوت خاتم» مورد بحث قرار داده‌ام و بیان کرده‌ام که چرا نبوت ارسالی از سوی خداوند به پایان رسیده و نبوت ارسالی از سوی محمد (ص) آغاز شده است و وجود ایشان کامل‌ترین جلوه‌ی لاهوت در مخلوقات است.

**النتيجة: ما دلت عليه هذه الأحاديث؛ أنّ علي بن أبي طالب هو خليفة الله في خلقه بعد رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله).**

نتیجه: معنایی که این احادیث بر آن دلالت دارد، این است که علی بن ابی‌طالب، خلیفه‌ی خداوند پس از محمد رسول خدا(ص) در میان مخلوقات است.

[406]. الحديث ورد بصيغ متقاربة في:

- صحيح البخاري: ج 4 ص 208 باب مناقب المهاجرين وفضلهم. وج 5 ص 129 باب غزوة تبوك، عن سعد.
- صحيح مسلم: ج 7 ص 120 و 121 باب من فضائل علي، عن سعد بن أبي وقاص.
- مسند أحمد: ج 1 ص 170 و 173 و 175 و 177 و 179 و 182 و 184 و 185 و 331. وج 3 ص 32 و 338. وج 6 ص 369 و 438، عن سعد بن مالك وسعد بن أبي وقاص وابن عباس وأبي سعيد الخدري وجابر بن عبد الله وأسماء بنت عميس.
- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 42 و 45 عن سعد.
- سنن الترمذي: ج 5 ص 301 و 304 عن سعد وجابر بن عبد الله.
- فضائل الصحابة - النسائي: ص 13 و 14 عن سعد بن أبي وقاص.

- المستدرک - الحاکم النیسابوری: ج 2 ص 337 عن علی (علیه السلام). وج 3 ص 108 و 133  
عن سعد و ابن عباس.

- السنن الکبری - البیهقی: ج 9 ص 40 عن سعد.

[407]. حدیث با جمله‌های مشابه در منابع زیر آمده است:

- صحیح بخاری، ج 4، ص 208، باب مناقب مهاجرین و فضیلت آنان آمده است. و ج 5، ص 129، باب غزوه‌ی  
تبوک از سعد.

- صحیح مسلم، ج 7، ص 120 و 121، باب من فضائل علی عن سعد بن ابی وقاص.

- مسند احمد، ج 1، ص 170 و 173 و 175 و 177 و 179 و 182 و 184 و 185 و 331، ج 3، ص 32 و 338، ج  
6، صص 369 و 438 از سعد بن مالک و سعد بن ابی وقاص و ابن عباس و ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله و  
اسماء بنت عمیس.

- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 42 و 45، از سعد.

- سنن ترمذی، ج 5، ص 301 و 304، از سعد و جابر بن عبدالله.

- فضائل الصحابة، نسائی، ص 13 و 14، از سعد بن ابی وقاص.

- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 2، ص 337، از علی (رض)، ج 3، صص 108 و 133 از سعد و ابن عباس.

- سنن کبری، بیهقی، ج 9، ص 40 از سعد.

[408]. صحیح البخاری: ج 4 ص 208 باب مناقب المهاجرین و فضلهم.

[409]. صحیح بخاری، ج 4، ص 208، باب مناقب المهاجرین و فضلهم.

[410]. صحیح البخاری: ج 5 ص 129 باب غزوة تبوک.

[411]. صحیح بخاری، ج 5، ص 129، باب غزوة تبوک.

[412]. صحیح مسلم: ج 7 ص 120 باب من فضائل علی رضي الله عنه.

[413]. صحیح مسلم، ج 7، ص 120، باب من فضائل علی (رض).

[414]. صحیح مسلم: ج 7 ص 120 باب من فضائل علی رضي الله عنه.

[415]. صحیح مسلم، ج 7، ص 120، باب من فضائل علی (رض).

[416]. صحیح مسلم: ج 7 ص 120 باب من فضائل علی رضي الله عنه.

[417]. صحیح مسلم، ج 7، ص 120، باب من فضائل علی (رض).

[418]. صحیح مسلم: ج 7 ص 121 باب من فضائل علی رضي الله عنه.

[419]. صحیح مسلم، ج 7، ص 121، باب من فضائل علی (رض).

[420]. مسند أحمد: ج 1 ص 170.

[421]. مسند احمد، ج 1، ص 170.

